

**Reflection of Imam Hussein (AS) and Ashura mourning
ceremonies in the works of European tourists in Safavid Iran**

Ali Akbar Jafari¹|Shabnam Sadat Hashemi Fesharaki²|Somayeh Sadat Hashemi Fesharaki³

Received: 2021/08/14 | Accepted: 2021/12/01

(DOI): [10.22034/MTE.2021.8622.1292](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.8622.1292)

Original Article

P 41 - 65

Abstract

The recognition of the Shiite religion in the Safavid period led to the gradual spread of Shiite religious customs, especially the ceremonies related to the martyrdom and birth of the Imams (AS) and Shiite holidays. Religious mourning, especially the mourning of the martyrdom of Imam Hussein (AS) and his companions, was most evident in these rituals and ceremonies. Although there are reports of this issue in the historical sources of the Safavid period, the travelogues of European tourists are considered as suitable examples for research due to their more attention and, of course, their shortcomings and mistakes. The diversity and differences, along with their obvious mistakes on this subject, along with the representation of purely vulgar opinions and even their combination with their personal opinions, have led to the review and critique of this ceremony, despite the reflection of this ceremony in their reports. These reports should be considered as the purpose of this study. Accordingly, the main question of the research is how the mourning ceremonies of Imam Hussein (AS) and Ashura are reflected in the travelogues of European tourists in Safavid Iran? The findings of the research, which have been done by library study method and based on the translated travelogues of these tourists and by descriptive-analytical method, show that they are an incomplete drawing without a correct understanding of the nature of Imam's uprising. Hussein (AS) and the philosophy of holding mourning ceremonies for Imam Hussein (AS) and Ashura.

Keywords: Imam Hussein (AS), Ashura, religious mourning, European tourists, Safavids.

1 - Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran, - a.jafari@Ltr.ui.ac.ir

2 - PhD student in Islamic History, University of Isfahan, Isfahan Iran, - sh.hashemifesharaki@yahoo.com

3 - Graduate of Islamic History, University of Isfahan, Isfahan, Iran, - s.hashemifesharaki@yahoo.com

بازتاب مراسم عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا در آثار سیاحان اروپایی در ایران عصر صفوی

علی اکبر جعفری (نویسنده مسئول)^۱ | شبنم السادات هاشمی فشارکی^۲ | سمیه السادات هاشمی فشارکی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.8622.1292

تاریخ دریافت: ۰۰/۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۱۰

علمی - پژوهشی

ص: ۶۵/۴۱

چکیده

رسمیت مذهب تشیع در دوره صفویه موجب رواج تدریجی آداب و رسوم مذهبی تشیع به ویژه مراسم مربوط به شهادت و ولادت ائمه (ع) و اعیاد شیعی شد. عزاداری‌های مذهبی خاصه عزاداری شهادت امام حسین (ع) و یارانش بیشترین نمود را در این مناسک و مراسم داشت. اگر چه گزارش‌هایی از این موضوع در منابع تاریخی دوره صفویه وجود دارد اما سفرنامه‌های سیاحان اروپایی به دلیل توجه بیشتر و البته توأم با نواقص و اشتباهاتی که دارند، نمونه‌های مناسبی برای پژوهش محسوب می‌شوند. تنوع و تفاوت‌ها همراه با اشتباهات آشکار آن‌ها از این موضوع توأم با بازنمایی نظرات صرفاً عوامانه و حتی ترکیب آن‌ها با نظرات شخصی خود موجب شده تا به رغم بازتاب این مراسم در گزارش‌های آن‌ها، بررسی و نقد این گزارش‌ها به عنوان هدف این پژوهش مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که، مراسم عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا چگونه در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی در ایران عصر صفوی بازتاب یافته است؟ یافته‌های پژوهش که به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و مبتنی بر سفرنامه‌های ترجمه شده این سیاحان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، نشان می‌دهد آن‌ها ترسیمی ناقص و بدون درک درست و فهم صحیح از ماهیت قیام امام حسین (ع) و فلسفه برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا داشته‌اند.

کلیدواژگان: امام حسین (ع)، عاشورا، عزاداری مذهبی، سیاحان اروپایی، صفویه.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه، اصفهان، اصفهان ایران، a.jafari@Ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، اصفهان ایران، sh.hashemifesharaki@yahoo.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، s.hashemifesharaki@yahoo.com

مقدمه

حادثه غم‌انگیز کربلا و عاشورا همان‌گونه که از محوری‌ترین موضوعات در منابع تاریخ اسلام و ایران می‌باشد، از جمله مسائلی است که توجه برخی سیاحان اروپایی را در دوره صفوی به خود جلب نموده است. علاوه بر اصل و اهمیت واقعه کربلا و امام حسین (ع) و مصائبی که بر ایشان و خانواده ایشان وارد شده، آنچه موجب توجه بیشتر سیاحان به عاشورا شده، مراسم و مناسکی است که شیعیان در عزاداری حضرت و روز عاشورا دارند و برخی از سیاحان، آن را دیده‌اند. حضور پیوسته و گاهی اقامت چند ساله این عده در ایران در دوران صفویه و مشاهده مراسم عزاداری امام حسین (ع) به ویژه روز عاشورا موجب شده تا گزارش‌های متنوع و متعددی پیرامون این موضوع را در برخی از سفرنامه‌های خود بیاورند. این گزارش‌ها مقدمه‌ای برای آگاهی اروپاییان و منبعی برای اطلاع‌رسانی به غربیان در فهم و ادراک از فرهنگ مذهبی دوره صفویه محسوب می‌شود. این‌که سیاحان اروپایی، عاشورا و مراسم آن و اصولاً عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را چگونه در سفرنامه خود تبیین نموده‌اند، شاخص در عاشورا نگاری این عده محسوب می‌شوند. بی‌گمان این گزارش‌ها، نقاط نقص و ضعف فراوانی دارد که ضرورت دارد تا به آن‌ها توجه شود. فهم ناقص و نادرست سیاحان از واقعه عاشورا و نتایجی که از چنین فهمی برای مخاطبین آن‌ها حاصل شده، ریشه بسیاری از اشتباهات و اظهار نظرهای نادرست و البته دیدگاه‌ها مغرضانه علیه شیعه می‌تواند باشد. بنابر اهمیت موضوع، این پژوهش، بازتاب مراسم عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا در آثار سیاحان اروپایی در ایران عصر صفوی را به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تبیین قرار داده است. اهمیت دوره صفویه در این موضوع، شکل‌گیری جدی و فراگیر روابط ایران و اروپا در این دوران است که از نتایج آن، حضور تعداد قابل توجهی از سیاحان اروپایی در ایران و باقی ماندن سفرنامه‌های متعددی از آنهاست. ناگفته نماند در تمامی این سفرنامه‌ها به موضوع مورد نظر در این پژوهش پرداخته نشده است. هم‌چنین تعدادی از سفرنامه‌های اروپاییان که از دوره صفویه به بعد از ایران دیدار داشته‌اند، به دلایل مختلفی از جمله کم‌حجمی و اطلاعات بسیار ابتدائی و تکراری بودن نوشته‌های آن‌ها و مسائل دیگری، ترجمه نشده است. هم‌چنین با اذعان به این‌که برخی از سفرنامه‌های فوق که در دهه‌های قبل ترجمه شده، دارای نواقص مهمی در ترجمه هستند و نیازمند

باز ترجمه و اصلاحاتی هستند و تا این اقدام صورت نگیرد، قضاوت دقیقی در مورد نظرات آنها نمی توان داشت، لذا این پژوهش بر اساس ترجمه‌های موجود انجام شده است. پیرامون این موضوع و به طور مشخص، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. در پژوهش‌های صورت گرفته عموماً مراسم و مناسک مذهبی شیعی در دوره صفویه و بدون تأکید بر چگونگی بازنمایی آن در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی بررسی شده است. فروغی ابری (۱۳۹۵) در مقاله «شکل‌گیری و تحول مراسم مذهبی در عهد صفویه» به بازگویی شکل‌گیری مذهب در این دوره پرداخته است و به طور کلی به همه مسائل و مراسم مذهبی اشاره شده است. رنجبر (۱۳۸۹) در کتاب «مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی» به تمامی مراسم مذهبی اشاره نموده است و دیدگاه تعداد اندکی از سیاحان اروپایی در مورد تمامی این مراسم را به اختصار آورده است. حاجی ابوالحسنی (۱۳۷۹) در مقاله «بازنمایی عنصر شور و احساس در آیین محرم» عمدتاً به معرفی تحقیقات جدیدی که در غرب از سوی پژوهشگران غربی منتشر شده، پرداخته است. حسین زاده شان‌چی (۱۳۸۹) نیز در مقاله «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب» عمدتاً سفرنامه را از نظر چگونگی بیان کلیات اعتقادات شیعه بررسی نموده است، لیکن به صورت اختصاصی به بحث عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا نگاری در این سفرنامه‌ها نپرداخته است. هم‌چنین در این دو پژوهش، اختصاصاً به عاشورا نگاری سیاحان اروپایی در دوره صفویه و توجه آنها به عزاداری امام حسین (ع) نپرداخته‌اند و از این نظر، این دوره مهم که در مطالعات عاشورا شناسی غربیان، دوره‌ای بنیادین می‌باشد را با نگاه دقیق و تخصصی مطالعه نکرده‌اند. موسی پور (۱۳۹۵) کتاب «دین زیسته و زندگی روزانه» را که با هدف بررسی نقش و حضور و بروز عناصر و مؤلفه‌های دینی و مذهبی در زندگی روزانه مردم عادی ایران از صفویه تا پایان دوره قاجار تدوین نموده، نکات دقیق و ریزی را در این باره از سفرنامه‌ها استخراج نموده و در بررسی موضوعات خود از سفرنامه‌های اروپاییان استفاده نموده است به گونه‌ای که این سفرنامه‌ها، منبع مهمی برای این کتاب محسوب می‌شوند، اگر چه در بخش دوره قاجار استفاده بیشتری از این سفرنامه‌ها نموده است.

بر این اساس پژوهش‌های پیشین یکی از این سه محور را دارند؛ یا صرفاً موضوع عزاداری‌های مذهبی دوره صفویه را بررسی نموده‌اند، یا به مطالعات جدید غربیان در موضوع مناسک و مراسم شیعی پرداخته‌اند و یا تمرکزشان بر روزگار بعد از صفویه است. لذا

پژوهش حاضر می‌تواند خلاً موجود این پژوهش‌ها را برطرف نماید.

سیاحان اروپایی در ایران عصر صفوی و توجه آن‌ها به عزاداری امام حسین (ع)

دوره صفویه از جهات مختلفی در تاریخ ایران، دارای اهمیت و اعتبار است. یکی از مهم‌ترین این جهات، شکل‌گیری روابط قابل توجه ایران و اروپا و آمد و رفت نمایندگان دولت‌ها و کمپانی‌های تجاری اروپایی بود. برخی از این افراد گزارش‌هایی از مأموریت خود و دیده و شنیده‌هایشان باقی گذاشته‌اند. این سفرنامه‌ها دارای مطالب متنوع و گوناگونی هستند که در بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران دوره صفویه اهمیت دارند. یکی از مسائل مورد توجه آن‌ها در این سفرنامه‌ها، آداب و رسوم مذهبی و باورها و عقاید دینی ایرانیان است. در همین راستا، توجه به موضوع عاشورا و عزاداری امام حسین (ع) و مراسم و مناسک محرم در تعدادی از این سفرنامه‌ها مشهود است. در این سفرنامه‌ها، توجه به عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا صورت یکسانی ندارد. برخی از سیاحان تنها اشاره‌ای مختصر و محدود به این موضوع داشته و برخی دیگر توجه بیشتر به گونه‌ای که در چند نوبت و در مراتبی بیش از یک صفحه از گزارش‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. توجه برخی سیاحان به عزاداری امام حسین (ع) و گزارش آن‌ها نشان می‌دهد چندین نوبت شاهد این مراسم و مناسک بوده‌اند و در مقابل، گزارش برخی از آن‌ها نشانگر آن است که گزارش خود را با کمترین مشاهدات ارائه می‌نمایند.

سیاحان اروپایی که در دوره صفویه به ایران آمده‌اند و در سفرنامه آن‌ها به موضوع مورد نظر در این پژوهش پرداخته شده و سفرنامه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، در جدول شماره یک مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است سیاحان اروپایی که در این دوره به ایران آمده‌اند، بسیار بیشتر از افرادی است که در این جدول معرفی شده‌اند (ثواقب، ۱۳۸۰: ۳۱۶-۱۹۰). لذا با اذعان به نواقص موجود در ترجمه‌های سفرنامه‌های اروپاییان در دوره صفویه، این پژوهش با استناد به سفرنامه‌های که در جدول زیر آمده، تنظیم شده است. ذکر این نکته ضروری است که از گزارش‌های موجود نمی‌توان به جرأت و قاطعیت تأثیر ملیت سیاحان و رویکرد کشورشان به تشیع و مناسک و مراسم مذهبی آن را مدعی شد. آنچه در این زمینه می‌توان با قطعیت بیشتری گفت این‌که، تعداد سفر و طول دوران ماندگاری سیاحان در ایران همراه با تقارن ایام سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) یا زمان حضور این

سیاحان در ایران، عامل مهمی در میزان و کیفیت گزارش‌های آن‌ها محسوب می‌شود.

نام سیاح	عنوان لاتین	ملیت	دوره زمانی حضور در ایران
جیووان ماریا آنجوللو	G.M.Angelo	ونیزی	شاه اسماعیل
وینچنتو دالساندری	V.Dalsandri	ونیزی	شاه طهماسب
میکله ممبره	M.Mombarde	ونیزی	شاه طهماسب
آنتونی و رابرت شرلی	A&N.Shirley	انگلیسی	شاه عباس اول
دن گارسیا د سیلوا فیگوئروا	D.G.D.C.Figuer oa	اسپانیایی	شاه عباس اول
آنتونیو دوگوا	Antonio. de.Gouvea	اسپانیایی	شاه عباس اول
فدت آفاناس یویچ کاتف	F.A.Kotof	روسی	شاه عباس اول
ژرژ تکتاندرفن دریابل	G.T.Dyubel	آلمانی	شاه عباس اول
پیترو دلاواله	P.Della valle	ایتالیایی	شاه عباس اول
رابرت استودارت	R.Stodart	انگلیسی	شاه عباس اول
سر توماس هربرت	S. T. Herbert	انگلیسی	شاه عباس اول
یان اسمیت	j.Smith	هلندی	شاه صفی
آدام اولتاریوس	A.Olearius	آلمانی	شاه صفی

ژان شاردن	J.Chardin	فرانسوی	شاه عباس دوم
آندره دولیه دلند	A.D.Deland	فرانسوی	شاه سلیمان
ژان باتیست تاورنیه	J.B.Tavernire	فرانسوی	از شاه صفی تا شاه سلیمان
نیکلس سانسون	N.Sanson	فرانسوی	شاه سلیمان
انگلبرت کمپفر	A.kaempfer	آلمانی	شاه سلیمان
یوهان اشترویس	J.Struis	هلندی	شاه سلیمان
جان فرایر	J.Fryer	انگلیسی	شاه سلیمان
جملی کارری	G.Carri	ایتالیایی	شاه سلطان حسین
گرگوریو پیرا فیدالگو	G.P. Fidelogo	پرتغالی	شاه سلطان حسین
ایون گرس	E.Gers	فرانسوی	شاه سلطان حسین
یوداش تادیوش کروسینسکی	Y.T.Krosynski	لهستانی	شاه سلطان حسین

نکته قابل توجه در مورد سفرنامه‌های جدول این است که به رغم حضور سیاحان اروپایی در ایران گاهی این حضور و ماندگاری به بیش از یک سال هم رسیده، اما در گزارش آن‌ها کوچکترین اشاره‌ای به موضوع عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا نشده است و یا این‌که حداقل در ترجمه‌ها موجود چنین چیزی دیده نمی‌شود. این کمبود اطلاعات در حالی است که در برخی از این سفرنامه‌ها مطالبی در مورد پیامبر اعظم (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) وجود دارد (سانسون، ۱۳۴۶: ۲۵). بر این اساس می‌توان این نتیجه را گرفت که در سفرنامه‌های اروپاییان از ایران عصر صفوی به شدت با فقر اطلاعات و کمبود گزارش‌ها از این موضوع روبرو هستیم.

تحلیلی بر گزارش‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه از عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا

دوره صفویه، اولین دوره عاشورا نگاری و توجه به عزاداری امام حسین (ع) توسط مستشرقان با حضور آن‌ها در ایران محسوب می‌شود. این مسأله علاوه بر این‌که به ماهیت شیعی دولت صفویه و دولت‌های غیر شیعی در ایران قبل از تشکیل دولت صفویه بستگی دارد، به میزان روابط خارجی آن دوران نیز باز می‌گردد. روابط خارجی حکومت‌های قبل از صفویه با اروپا آن‌چنان محدود بود که گزارش قابل توجهی از آن‌ها باقی نمانده است. اما تشکیل دولت صفویه جهشی چشمگیر در این راستا ایجاد کرد. در این گزارش‌ها، محورهای متعددی وجود دارد که عاشورا و مراسم عزاداری امام حسین (ع) از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با مذهب رسمی جامعه ایران آن زمان می‌باشد.

سفرنامه‌های اروپاییان در دوره صفویه که در جدول شماره یک مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از عزاداری امام حسین (ع) و مراسم عاشورا در ایران گزارش داده‌اند، چند ویژگی دارند که عبارتند از:

۱- عمده این سفرنامه‌ها از پرداختن به شخصیت امام حسین (ع)، نسب او و جایگاهش در میان اهل بیت (ع) غافل مانده‌اند، لذا منبع مناسبی برای مخاطبین خود از این نظر نمی‌باشند.

۲- اطلاعات تاریخی آن‌ها از واقعه کربلا و حادثه عاشورا بسیار ابتدائی و سطحی است به گونه‌ای که عمدتاً در ذکر تاریخ واقعه، مسائل و حتی اسامی مطرح در این موضوع ناقص و پر اشتباه هستند.

۳- اشتباهات قابل توجهی در فلسفه و چرایی عزاداری امام حسین (ع) در روزهای محرم و به ویژه روز عاشورا دارند و این امر علاوه بر کم دقتی و بی‌اطلاعی سیاحان، می‌تواند ناشی از کمی اطلاعات جامعه صفوی هم، از این مسئله باشد زیرا منابع اطلاعاتی سیاحان نیز چندان واقف به موضوع نبوده‌اند.

۴- اشارات متعددی به نحوه عزاداری، هیأت‌گردانی و انواع رفتارهای حزن‌آور توسط عزاداران در مراسم محرم دارند و از این نظر، برای سیاحان بعدی خود اهمیت دارد زیرا آن‌ها را علاقمند و کنجکاو به دانستن و پیگیری این مناسک و مراسم نموده است.

۵- از مضامین اشعار و نوحه‌ها و سخنرانی‌های مراسم مذهبی، به ندرت اطلاعات

چندانی در اختیار قرار می‌دهند.

۶- جامعه مورد مطالعه آن‌ها (محل مشاهده و کسب اطلاعات از چرایی این مراسم و چگونگی آن) عموماً محدود و متفاوت بوده است. به همین دلیل اطلاعات ناقص و گاه متضاد را در گزارش سیاحان در این موضوع می‌توان دید. به عبارت دیگر، تلاش جدی و پیگیری را برای فهم موضوع و کسب اطلاعات به نظر نمی‌رسد، انجام داده باشند.

۷- در مجموع نمی‌توان بر اساس گزارش‌های آن‌ها، از باورها و مراسم ایرانیان دوره صفوی پیرامون عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا اطلاعات کافی و درستی بدست آورد و آن‌ها در تصویرسازی این ویژگی مهم فرهنگی جامعه ایران، حداقل در مقایسه با عید قربان که به خوبی آن را نشان داده‌اند، موفق عمل نکرده‌اند. بر این اساس و در ادامه نمونه‌های مرتبط با مراسم و مناسک مذهبی مرتبط با عزاداری امام حسین (ع) در سفرنامه‌های اروپاییان دوره صفوی طرح و بررسی می‌گردد.

شخصیت امام حسین (ع) در سفرنامه‌های دوره صفوی

در سفرنامه‌های اروپاییان دوره صفوی در مورد شخصیت امام حسین (ع) تنها اشارات محدودی را می‌توان دید. دلاواله، ایشان را فرزند علی (ع) و فاطمه (س) معرفی می‌نماید و تأکید می‌کند ایشان در نظر همه مسلمانان، مقدس است اما ایرانیان، ایشان را امام برحق نیز می‌دانند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۲). کارری هم تأکید می‌کند ایرانیان، حسین بن علی (ع) را امام خود می‌دانند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۲۵). اشترویس نیز به این مطلب اشاره می‌کند که حسین (ع)، دومین پسر علی (ع)، مفسر بزرگ قرآن است و جوان‌ترین پسر علی (ع) بود. او در ادامه می‌گوید «حسین سنگسار شد یا آن‌گونه که برخی می‌گویند، با پیکان و زوبین کشته شد» (اشترویس، ۱۳۹۶: ۱۱۳). ممبره، امام حسین (ع) را «دومین پسر امام علی (ع) و رسیدن به خلافت را علت شهادت او بدست سربازان اموی در کربلا در عراق در تاریخ ۱۰ محرم ۶۱ هـ / ۱۰ اکتبر ۶۸۰ م می‌داند (ممبره، ۱۳۹۳: ۷۵).

این مطالب، کل اطلاعاتی است که مستشرقین دوره صفویه در گزارش‌های خود از شخصیت امام حسین (ع) در اختیار مخاطبین خود (اروپاییان) قرار می‌دهند. این در حالی است که تعداد سفرنامه‌هایی که به موضوع عزاداری امام حسین (ع) در محرم و عاشورا می‌-

پردازند، بیشتر از این تعدادی است که در مورد خود امام صحبت می‌کنند. لذا این‌که آن‌ها تلاشی برای بیشتر دانستن از این موضوع نداشتند را به سادگی می‌توان از این فقر اطلاعاتی که آن‌ها در مورد شخصیت امام حسین (ع) در اختیار قرار می‌دهند را دانست. علاوه بر این، ناگفته پیداست که سطح آگاهی و دانش مستشرقین از امام، بسیار ابتدایی و ضعیف است. بر همین اساس باید گفت گزارش‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه در موضوع معرفی امام حسین (ع) به غرب نتوانستند نقش مؤثری ایفا نمایند و این اطلاعات محدود، ناقص، ابتدایی و مغشوش جایگاهی در مطالعات بعدی مستشرقین پیرامون امام حسین (ع) ندارد.

واقعۀ کربلا و محرم در گزارش‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه

بیشترین توصیف از واقعۀ کربلا را در سفرنامه کمپفر می‌توان دید. او تأکید می‌کند «طرفداران حسین در بین النهرین وی را در جنگ با یزید که خلیفه مستقر در دمشق بود، به کمک خواندند و او با ملازمان معدودی رهسپار کوفه شد. یزید از ماجرا آگاه شد و گروه نیرومندی را به مقابله با او فرستاد. در نتیجه وی محاصره شد و از یاران خود، آب و غذا جدا ماند. حسین که از تشنگی و گرسنگی به جان آمده بود با همراهانش با جسارتی که از یأس و ناامیدی حاصل می‌شود به سپاه دشمن زد و با همه یارانش به شهادت رسید» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۰).

محرم، دهه اول این ماه و روز عاشورا، پرتکرارترین موضوع عاشورا نگاری سیاحان اروپایی در دوره صفوی است. دلاواله با اندکی کم‌دقتی، تأکید می‌کند «با این روز، دهه اول محرم که عاشورا نامیده می‌شود، آغاز می‌گردد» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۲). تاورنیه با دقت بیشتری هشت تا ده روز قبل از عاشورا را شروع مراسم سوگواری شیعیان می‌نویسد و تأکید می‌نماید که عاشورا روز مخصوصی بین این عده است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۲). کمپفر هم می‌نویسد: «ایرانیان ده روز اول محرم را هر ساله به تجدید خاطره این واقعۀ جانسوز می‌گذرانند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۰). کارری نیز با ذکر دقیق آغاز محرم، در سالی که او مراسم را دیده، اشاره می‌کند «روز دوشنبه ۲۳ ماه اوت با طلوع ماه نو برگزاری مراسم بسیار غم‌انگیز آغاز گردیده... این مراسم ده روز طول می‌کشد» (کارری، ۱۳۴۸: ۱۲۵). اشترویس اشاره می‌کند «که عاشورا در زبان ایرانی‌ها به معنی ده است. زیرا وقتی حسین (ع) از مدینه عازم کوفه شد، دشمنانش ده روز او را تعقیب کردند. بنابراین، این مراسم ده روز ادامه دارد»

اشترویس، ۱۳۹۶، ۱۱۳). کاتف در مورد ماه محرم می‌گوید «در سرزمین ایران سه عید وجود دارد و روزهای عزا همان ده روز اول محرم می‌باشد» (کاتف، ۱۳۳۶: ۸۲). ممبره با کم دقتی، کل مراسم عزاداری امام حسین (ع) را عاشورا می‌نامد که بنا بر نوشته او از اول ماه می آغاز شده و تا دهم آن ماه ادامه می‌یافت (ممبره، ۱۳۹۳: ۴۱). دوگوا در توصیف واقعه عاشورا می‌گوید: «ایرانیان مراسمی دارند که به مراسم عاشورا یا شاه حسین معروف است و مربوط به حسین پسر علی است. ولی بر من معلوم نشد که این ده روز عید است یا عزا زیرا دسته‌ای از مردم می‌خندند و می‌رقصند و می‌خوانند و برخی دیگر گریه و ناله می‌کنند (De Gouvea ۱۶۴۰: ۷۵) اولتاریوس در توصیف عاشورا چنین مطالبی را بیان می‌دارد: «۱۳ ماه مه مصادف با اول محرم و ایام عزاداری ایرانی‌هاست که مدت ده روز را تا عاشورا به عزا می‌نشینند. این مراسم فقط در ایران انجام می‌شود و در کشورهای دیگر اسلامی از آن تبعیت نمی‌کنند. این عزاداری به یاد بود شهادت حسین (ع) فرزند علی (ع) است که بنا بر روایت ایرانیان در طی جنگی که با سپاهیان یزید کرد و این سپاهیان مدت چند روز آب را به روی آن‌ها بستند، به اتفاق یاران و همراهان خود به شهادت رسید در این پیکار نابرابر ۷۲ تیر به بدن حسین اصابت کرد و سنان بن عس کاردی در بدن امام کرد و سرانجام بدست شمر به شهادت رسید (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۸۷).

در این گزارش‌ها، نسبت به دیگر گزارش‌های جهانگردان در موضوع عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا دقت بیشتری دیده می‌شود، لذا مطالب آن‌ها توانسته انگیزه را برای جستجوی بیشتر در نسل‌های بعدی سیاحان ایجاد کرده باشد. البته همپای این نقش، نباید از اشتباهات شاخص این سیاحان در گزارش این واقعه که در نظرات سیاحان دوره‌های بعد و حتی مستشرقین تأثیر گذاشته، غافل بود. مشخص‌ترین این نمونه‌ها، نظر کاملاً نادرست کمپفر است که در توصیف رشادت و مجاهدت‌های امام حسین (ع) علت را «جسارت ناشی از یأس و ناامیدی» می‌داند.

آداب و رسوم عزاداری ماه محرم در سفرنامه‌های سیاحان در دوره صفویه

آداب و رسوم عزاداری ایرانیان در ماه محرم، فرهنگ عزاداری و چگونگی مراسم محرم بیشتر مورد توجه سیاحان اروپائی در دوره صفویه قرار گرفته است. در این قسمت از گزارش‌های آن‌ها پیرامون عاشورا، مطالب متنوع و گاه ضد و نقیض هم نیز دیده می‌شود. اهمیت

این قسمت از گزارش‌های آن‌ها، تصویرسازی نادرستی است که از این موضوع برای مخاطبین این سیاحت انجام می‌شود. ناگفته نماند این بخش از گزارش‌های آن‌ها می‌تواند ناشی از کم‌دقتی، بی‌اطلاعی منبع خبری آن‌ها، عمومیت دادن یک مطلب به کل شیعیان و گاه غرض‌ورزی نیز باشد.

دلاواله که اولین گزارش مشروح را از این مراسم آورده است، می‌نویسد: «تشریفات و مراسم عزاداری به این قرار است که همه غمگین و مغموم به نظر می‌رسند و لباس عزاداری به رنگ سیاه یعنی رنگی که در مواقع دیگر هیچ وقت مورد استعمال قرار نمی‌گیرد، بر تن می‌کنند. هیچ کس سر و ریش خود را نمی‌تراشد و به حمام نمی‌رود و به علاوه نه تنها از ارتکاب هر گونه گناه پرهیز می‌کند؛ بلکه خود را از هر گونه خوشی و تفریح محروم می‌سازد... جمعی دیگر در میدان‌ها و کوچه‌های مختلف و جلوی خانه‌های مردم، برهنه و عریان، در حالی که فقط به پارچه سیاه یا کیسه تیره رنگی ستر، عورت کرده و سر تا پای خود را با ماده‌ای سیاه و براق شبیه آنچه ما برای رنگ زدن جلد شمشیر یا فلزات دیگر استعمال می‌کنیم، رنگ زده و حرکت می‌کنند و تمام این تظاهرات، برای نشان دادن مراتب سوگواری و غم اندوه آنان در عزای حسین است. به همراه این اشخاص، عده‌ای برهنه نیز راه می‌روند که تمام بدن خود را به رنگ قرمز در آورده‌اند تا نشانی از خون‌هایی که به زمین ریخته و اعمال زشتی که آن روز نسبت به حسین انجام گرفته است، باشد و همه با هم، آهنگ‌های غم‌انگیز در وصف حسین و مصائبی که بر او وارد شد، می‌خوانند و دو قطعه چوب یا استخوانی را که در دست دارند، به یکدیگر می‌کوبند و از آن صدای حزن‌انگیزی به وجود می‌آورند. به علاوه، حرکتی به سر و تن خود می‌دهند که علامتی از اندوه بی‌پایان آنهاست و بیشتر به رقص شباهت دارد و در همین حال، ظرف‌هایی که در دست دارند، جلو اشخاصی که در میدان، حلقه وار دور آنها جمع شده‌اند، می‌برند و مردم به عنوان صدقه در آن پول می‌اندازند. هنگام ظهر در وسط میدان، در بین جماعتی که گرد آمده‌اند، یک ملاً که غالباً از نسل محمد است و در ایران به او سید یعنی آقا می‌گویند و علامت ممیزه اش عمامه سبز است، بالای منبر می‌رود. در ترکیه به این اشخاص امیر و در مصر به آنان شریف می‌گویند و من بر خلاف ترکیه - که اعقاب محمد همیشه عمامه سبز بر سر دارند - در ایران ندیدم به غیر از این گونه مواقع، کسی عمامه‌ای با این رنگ بر سر گذارد. منبر، مشرف بر همه زنان و مردانی است که بعضی بر روی زمین و بعضی بر روی چهارپایه کوتاهی نشسته-

اند و ملأ بر روی آن، شروع به روضه خوانی و توصیف حسین می‌کند و به شرح وقایعی که منجر به قتل او شد، می‌پردازد و گاهی نیز شمایی چند نشان می‌دهد و روی هم رفته تمام سعی و کوشش خود را به کار می‌بندد تا هر چه ممکن است بیشتر حاضرین را وادار به ریختن اشک کند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۳-۱۲۲).

تاورنیه نیز گزارش قابل توجهی از این مراسم و خاصه از اطعام دادن در این ایام دارد که در گزارش دیگر سیاحان به آن اشاره نشده است. او می‌نویسد: «شیعیان تمام صورت و بدن خود را سیاه می‌کنند و برهنه و عریان می‌شوند. فقط با پارچه کوچکی ستر عورت می‌نمایند و سنگ بزرگی به هر دستی گرفته در کوچه و معبر گردش نموده، آن سنگ‌ها را به یکدیگر زده، انواع تشنجات را به صورت و بدن خود داده، متصل فریاد می‌کنند: حسن حسین، حسن حسین و به قدری این حرکت را تکرار می‌نمایند که دهانشان کف می‌کند و تا غروب مشغول این کار هستند. شب‌ها مردمان مقدسی هستند که آن‌ها را به خانه‌های خود برده، اطعام شایانی می‌نمایند و در این ایام، همین که آفتاب غروب کرد، در اغلب گذرها و میدان‌ها منبری نصب شده، واعظین مشغول موعظه و حاضر کردن مردم برای روز مخصوص هستند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۲).

کمپفر نیز تأکید می‌کند در این ایام، عزاداران قبل از ظهرها به میدان‌ها و معابر آمده و به سخنان یک ملأ گوش می‌کنند. او اشاره می‌کند که این ملأ در هر روز یکی از فصول «روضه الشهدا» را برای مخاطبین می‌خواند. او همچنین به حرکت مردم در دسته‌های عزاداری از غروب به بعد اشاره می‌کند و می‌نویسد: «غروب همه در دسته‌های نامنظم به استراحتگاه‌های کوچک سر چهار راه‌ها و یا اماکن عمومی می‌روند و با خود چیزهای قابل اشتعال را همراه می‌برند و آتشی می‌افروزند تا دور آن برای عزاداری حلقه بزنند. بزودی رقصی آغاز می‌گردد که در ضمن آن نام حسین را به صدای بلند ذکر می‌کنند نه با ناله و شکوه بلکه با صدائی خشنماک، به تبعیت از آهنگ آواز نوحه خوانان در دایره‌ای کنار هم جمع می‌شوند و در عین اینکه پا بر زمین می‌کوبند، سینه را با مشت می‌زنند. کسی که با این مراسم آشنا نباشد، شاید بیندازد که ساحران را در حال رقص می‌بیند. آری حرکات و چهره کسانی که در عزاداری شرکت کرده‌اند، حالتی چنین خشن و انتقام‌جویانه دارد. این نمایش، ساعت‌ها به طول می‌کشد» او در ادامه تأکید می‌نماید «این عزاداری ده روزه به عاشورا ختم می‌شود. در این روز مردم به صورت دسته جمعی تابوت امام مقتول را که چون سرپوش ندارد، جسد

خون آلود پسر بچه‌ای که خود را به مردن زده، از آن دیده می‌شود، حمل می‌کنند. پسر بچه در حین حرکت دسته، آه می‌کشد و ناله می‌کند. در بعضی از شهرها شرکت کنندگان در این تشیع جنازه با تیغی که در دست دارند به سر خود که تازه تراشیده شده، زخم می‌زنند به عبارت دیگر، برش دایره ماندی در پیشانی و دو خراش طولی در جمجمه خود ایجاد می‌کنند تا این قتل شرم آور را به صورتی محسوس مجسم کرده باشند، روز دهم محرم را عاشورا هم می‌گویند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۰-۱۸۱). کارری اگر چه در بیان فلسفه این مراسم اشتباهی دارد و مراسم عزاداری ایرانیان در ماه محرم را مرتبط با شهادت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌داند اما در ادامه اشارات مهمی به این مراسم دارد. او می‌نویسد: «تمام این مدت در میدان‌ها و گذرگاه‌ها، صندلی‌هایی گذاشته‌اند که هر چند گاه یک ملا بر آن می‌نشیند و سخنانی در منقبت و مصیبت کشته شدگان می‌گوید. همه ساکنان محلات، در حالی که به عنوان سوگواری جامه کبود یا سرخ بر تن کرده‌اند، در پای کرسی و عظم و مرثیه آنان می‌نشینند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۲۵).

اشترویس نیز در مورد مراسم عزاداری اشاره می‌کند «در این ده روز هرگز موها را اصلاح نکرده و دستان خود را خضاب نمی‌کنند. اما در روزهای دیگر مدام چینی می‌کنند. برای نوشیدن هم روزه‌داری سخت‌گیرانه‌ای دارند، چیزی جز آب نمی‌نوشند. در تمام این مدت فریاد می‌کشند. قاتلین حسین (ع) را لعن و نفرین می‌کنند و با شوق و حرارت زیاد خودشان را کتک می‌زنند تا این که بدنشان آبی و سیاه شود (اشترویس، ۱۳۹۶: ۱۱۴). همچنین وی به ماجرای ممنوعیت قمه‌زنی توسط یکی از خان‌ها اشاره می‌کند و این‌که جوانی به این فرمان اعتراض می‌کند که چرا خان رسوم دیرپای ایرانیان را تغییر داده است، چون به موجب این حکم، هیچ کس حق نداشت بدنش را با شمشیر زخمی کند. این اعتراض به قیمت جان آن جوان تمام می‌شود (همان: ۱۲۱). فیگوئروا در مورد مراسم عزاداری در اصفهان تأکید دارد که مراسم عزاداری در مسجد بزرگ اصفهان برگزار می‌شود و زنان نیز در این مراسم حضور داشتند. وعظ نیز توسط روحانیون ایراد می‌شد که موضوع آن، غصب حکومت علی (ع) و ائمه (ع) به ویژه حسین (ع) و بیان شهادت ایشان بوده است و این مطالب باعث گریه مردم می‌شد و زنان نیز با سیلی به چهره خود می‌زدند. دسته‌های عزاداری نیز همراه با طبل و سنج در شهر حرکت می‌نمودند و اجتماع کنندگان با هم به زد و خورد می‌پرداختند که موجب مرگ عده‌ای می‌شد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۰۷-۳۱۳).

کاتف، مراسم عزاداری محرم را چنین توصیف می‌کند «مردان همراه با نوجوانان پای برهنه و لخت در حالی که شلواری به پا دارند در کوچه و بازار و میدان‌ها به راه می‌افتند و در دست‌های خود سنگی را نگه می‌دارند و به یکدیگر می‌زنند و مدام فریاد می‌زنند: حسین، حسین، شاه حسین. تابوت‌های مخمل‌دار را در جلوی شترهای که روی آنها بچه‌های لخت را طوری نشانند که صورتشان به طرف دم شتر است، حمل می‌کنند. بچه‌ها فریاد می‌زنند: حسین حسین..... این عمل در میدانی که همه زن و مرد و بچه بدان جمع شده‌اند، صورت می‌گیرد. زنان ناله‌ها و شیون‌ها سر می‌دهند. مردان و کودکان سرهای خود را می‌شکافند و خون‌آلود حرکت می‌کنند و نیز پوست دست‌ها و سینه‌های خود را با تیغ می‌برند و خون را به سر و صورت و دست‌های خود می‌مالند. بدین ترتیب آنها به خاطر امام حسین (ع) و اصحاب او که به دست ملعون‌ها به شهادت رسیده‌اند، عزاداری می‌کنند. گویا منظور از بچه‌های خونین، همان کودکان بی‌گناه اوست که شهید شده‌اند (کاتف، ۱۳۳۶: ۸۱-۸۲). ممبره نیز به این مراسم عزاداری اشاره می‌کند و می‌گوید «او با قومی به نام یزید جنگید و سرش بریده شد. آنها برای او دستار سیاه و لباس سیاه می‌پوشند و شاه در این مدت از خانه خارج نمی‌شود. دسته‌ها در شهر می‌چرخند و وارد مساجد می‌شوند و به زبان فارسی ذکر مصیبت می‌کنند» (ممبره، ۱۳۹۳: ۴۱).

نکته قابل توجه در گزارش‌های سیاحان از مراسم ایرانیان دوره صفوی پیرامون عاشورا، اینکه تقریباً هیچ‌کدام اشاره‌ای به مراسم تعزیه‌خوانی و یا توصیف مراسمی که از آن بتوان چنین تصویری داشت، نمی‌کنند. از درگیری بین عزاداران که گاه منجر به زخمی شدن و حتی کشته شدن برخی از آنها می‌شده، در این گزارش‌ها دیده می‌شود اما از تعزیه در این گزارش‌ها خبری نیست. گزارش سیاحان از عزاداری‌های عصر صفویه حکایت از وجود شکل‌های ابتدایی و عناصر زمینه‌ساز تعزیه در آن دوران دارد. در دوره شاه‌عباس سیاحانی همچون پیتر دلاواله گزارش کرده است که در روز عاشورا در اصفهان از تمام اطراف و محلات شهر دسته‌های بزرگی که همه بیرق و علم حمل می‌کنند و هر یک به حمل تابوت‌هایی می‌پردازند، به راه می‌افتد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۳-۱۲۲) همچنین ژان کلمار معتقد است که حداقل از زمان تغییر پایتخت به اصفهان در دوره شاه‌عباس اول، مراسم محرم در زندگی سیاسی-اجتماعی ایرانیان نمود بیشتر یافته است (Calmard, 1996: 142-143).

نقد گزارش‌های سیاحان اروپایی عصر صفویه از عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا

سفرنامه‌های سیاحان اروپایی از منابع اساسی برای مطالعات محققان غربی در مورد شیعیان و آیین‌ها و مراسم مذهبی آن‌ها و بخصوص عاشورا، محسوب می‌شود. این گزارش‌ها، از نتیجه مشاهدات مستقیم اروپاییان بدست آمده است و به همین دلیل، بررسی و بازشناسی آن دارای اهمیت خاصی است. در دوره صفویه به علت این‌که سیاحان اروپایی برای اولین بار به ایران با حکومتی شیعه مذهب سفر می‌کردند، مراسم مذهبی شیعیان برای آن‌ها قابل توجه بود. بی‌گمان ارائه برداشت‌های ناقص و نادرست از مشاهدات خود و اظهار نظرهای ضعیف و اشتباه توسط این سیاحان، فهم مخاطبین آن‌ها به ویژه جوامع اروپایی را نسبت به این موضوع دچار انحراف نموده است. برای مثال ژان کلمار معتقد است که پوشیدن لباس سیاه، آذین‌بندی معابر، کوچه‌ها و خیابان‌ها با پارچه‌های مشکی یا به اصطلاح «سیاه‌پوشی» نیز در دوره‌های بعدی توسط اغلب جهانگردان غربی گزارش شده است (Calmar, 1996: 178) دو عامل اساسی که نقش مؤثری در این برداشت‌های نادرست داشتند، عبارتند از:

۱- انگیزه سیاحان اروپایی از نوشتن سفر و سفرنامه نویسی

در یک بررسی کلی و اجمالی، انگیزه‌های مسافرت سیاحان اروپایی در ایران عصر صفوی به انگیزه‌های سیاسی- نظامی، انگیزه‌های اقتصادی و تجاری، انگیزه‌های دینی و مذهبی و نیز انگیزه‌های کنجکاوی و ماجراجویانه تقسیم می‌شود. همین تقسیم و تفاوت انگیزه‌ها در تدوین سفرنامه ایشان تأثیرگذار بوده است. سیاحان اروپایی پس از تشکیل دولت صفویه و شکوه و اعتباری که ایران پیدا نمود و رونق یافتن اوضاع اقتصادی ایران در این دوره، با این اهداف و انگیزه‌ها به ایران آمدند و با اقشار مختلف جامعه ایران روابط برقرار نمودند. بر این اساس، انگیزه‌های سیاحان اروپایی برای نگارش سفرنامه خود و محتوای سفرنامه نیز متفاوت بود. در این مراودات، برای سیاحان رفتارها و آیین‌های اجتماعی و فرهنگی و مذهبی مردم ایران مورد توجه ویژه بود. حتی آن عده از سیاحان نیز که به قصد مأموریت‌های سیاسی به ایران آمدند برای آنان نیز بررسی مراسم و آئین‌های اجتماعی و مذهبی اقشار مختلف مردم و همچنین بررسی توان نظامی و سیاسی و حتی میزان علاقمندی به شخص شاه و حکومت در ایران مورد توجه بوده است. بر این اساس،

انگیزه‌های سیاحان در نوشتن سفرنامه، عنصر مهم و اصلی سازنده و شکل دهنده به این سفرنامه‌ها بوده است. همین مسئله باعث شده که آن‌ها به بعضی از موضوعات اصلاً توجه نکرده باشند و یا به صورت گذرا به آن اشاره‌ای نموده باشند. هدف سیاحان این دوره، نوشتن تاریخ ایران نبوده بلکه فقط قصد آشنایی دولت‌ها و مردم مغرب زمین را با موقعیت و توانمندی‌ها و آداب و رسوم ایران را داشته‌اند. انگیزه‌های اروپاییان را براساس اولویت می‌توان به انگیزه‌های سیاسی، سیاحت، بازرگانی، اعتقادی و تحقیقات علمی دسته‌بندی کرد (خلعتبری، ۱۳۸۸: ۳).

همچنین وابستگی سیاحان اروپایی به طبقه اجتماعی خاص خود باعث شده که در برداشت آن‌ها از مسائل اجتماعی ایران تأثیرگذار باشد. مثلاً پزشک و یا کشیش، هر یک برداشتی متفاوت از جامعه و رفتارهای مردم ایران داشتند مخصوصاً این‌که انگیزه‌های سفر متفاوت است. از سویی دیگر، اطلاعات و آگاهی ذهنی سیاحان اروپایی در شناخت آن‌ها از جامعه ایران مؤثر بوده است. به عنوان مثال، یک مأمور سیاسی با داده‌ها و دانش سیاسی خود به جامعه می‌نگرد، در نتیجه برداشت هر یک از سیاحان با دیگری متفاوت هست. البته این‌که سیاحان، آگاهی‌ها و داده‌های ذهنی خود را در سفرنامه خود دخالت دهند، در تضعیف و اشتباهات گزارش‌های آن‌ها نیز مؤثر بوده است. در دوره صفویه برخی از سیاحان اروپاییان نظیر برادران شرلی با انگیزه سیاسی و سیاحانی مانند شاردن و تاورنیه با انگیزه بازرگانی به ایران آمدند و به دلیل مراودات تجاری‌شان با صاحبان مشاغل به اوضاع اجتماعی ایران توجه داشتند. اهداف پیترو دلاواله نیز از نوشتن سفرنامه‌اش، ارضای حس کنجکاوی و کسب شهرت و افتخار برای خود و خانواده و کشورش و مبارزه با امپراتوری عثمانی و آخرین هدفش نیز بازدید از نقاط سوق الجیشی مهم در مسیر سفرش بود (دانش پژوه، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

عده‌ای از آنها نیز به شیوه‌های زندگی مردم ایران و اعتقاداتشان توجه داشتند مانند سانسون، به طوری که او برای تبلیغ کیش مسیحیت و سر و سامان دادن به اوضاع مسیحیان به ایران سفر کرد و سفرنامه‌های آنها نیز حاوی تلاش مذهبی آنان است. سیاحانی که با انگیزه دینی و مذهبی به ایران آمده‌اند و مسائل اعتقادی را در سفرنامه‌های خود بررسی نموده‌اند، در توضیح و توصیف برگزاری مراسم‌های مذهبی و به خصوص به چگونگی برگزاری مراسم عاشورا بیشتر پرداخته‌اند. این عده در شرح مشاهدات خود از مراسم عزاداری عاشورا، کم و بیش به نکات مشترکی اشاره دارند. اما همین عده و عموماً

برای تقویت موقعیت مذهب و آئینی که خود متعلق به آن بوده‌اند، به نوعی تلاش در سیاه‌نمایی دیگر ادیان و مذاهب و در این مورد مشخص، آداب و مناسک مذهبی ایرانیان شیعی مذهب داشته‌اند، رویکردی که موجب ارائه گزارش‌های خلاف واقع و ناقص توسط این سیاحان از مراسم عاشورا شده است.

بر این اساس نقد اولیه و اصلی که به گزارش‌های این سیاحان وارد است، نقد به انگیزه آن‌ها از نوشتن سفرنامه است. متأسفانه انگیزه‌های علمی و معرفتی با رویکردی صادقانه و واقع‌گرایانه در موضوع عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا در تدوین سفرنامه‌های آن‌ها در دوره صفویه دیده نمی‌شود و همین امر، نقطه شروعی برای انحراف گزارش‌های سیاحان بعدی شده است. در تکمیل این سخن باید گفت در سفرنامه‌های تدوین شده با انگیزه‌های سیاسی- نظامی و نیز دینی و مذهبی گزارش از واقعه عاشورا نمود بیشتری دارد اگر چه دسته اول این سفرنامه‌ها با توجه به انگیزه سیاحان، از نواقص و کاستی‌ها و اشتباهات بیشتری برخوردار است، همان‌گونه که غرض‌ورزی و گزارش‌های یک سو به و توأم با نیش و کنایه را در سفرنامه‌ها با انگیزه‌های دینی و مذهبی این دوره می‌توان دید.

۲- روش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات سیاحان در دوره صفوی

سیاحان اروپایی در ایران دوره صفوی معمولاً افرادی جزئی‌نگر بودند که تلاش می‌کردند از جزئی‌ترین مسائل هم گزارشی ارائه نمایند و برخی از آن‌ها از آنچه می‌دیدند، تصویرسازی نیز نموده‌اند. اما این ویژگی نباید ما را از نواقص کار آن‌ها غافل نماید. هم‌چنین روش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات آن‌ها در این امر تأثیر داشته است. این که اطلاعات خود را به روش حضوری و دیداری به دست آورده‌اند یا شنیداری و با تکیه بر نقل‌های رسیده به آن‌ها خاصه از طرف چه کسی به این اطلاعات دست یافته‌اند، در میزان گزارش و صحت و سقم آن از واقعه عاشورا توسط ایشان تأثیرگذار بوده است. در سفرنامه‌ها بر خلاف کتاب‌های تاریخی، به کوچک‌ترین مسائل اجتماعی و روزانه توجه شده است. در واقع سفرنامه، شرح حال مسافر و سیاح و معاشران اوست (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۴۰).

یکی از زمینه‌های نقد گزارش‌های سیاحان در مورد عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا، این که معاشران این سیاحان چه کسانی بودند و نسبت به امام حسین (ع)، عزاداری ایشان و مراسم عاشورا چه شناخت و فهم و دیدگاهی داشته‌اند؟ سیاحان به گزارش دیدنی‌ها و

رخدادهای جامعه پرداخته‌اند. روشی که سیاحان اروپایی برای نوشتن سفرنامه‌های خود استفاده کرده‌اند، عمدتاً بر مشاهده مستقیم و میدانی تکیه دارد و این روش، بدون در نظر گرفتن روش‌های مطالعاتی دیگر است. در مطالعه سفرنامه‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه به این نکته پی می‌بریم که آنها به منابع موثق مراجعه نکرده‌اند، بلکه تمام اطلاعات آنها در مورد عاشورا و ماه محرم به آگاهی‌های تا حدودی دیداری و عموماً شنیداری ختم می‌شود. هیچ یک از متون عزاداری و منابع تاریخی مربوط به واقعه عاشورا و منابع این واقعه توسط مستشرقان دوره صفویه مورد توجه نبوده، و آنها را در اختیار نداشتند. اخبار و اطلاعاتی که آنها در مورد امام حسین (ع)، عاشورا و انگیزه‌های عزاداری آورده‌اند، عمدتاً شنیداری آنهاست. آنها برای آشنایی از واقعه عاشورا و ماه محرم حتی به علما و دانشمندان صاحب نظر در این مسئله یا کتب مهم شیعه مراجعه نکرده‌اند بلکه قشر عادی و عامی جامعه را محور اطلاعات و آگاهی خود قرار داده‌اند. هم چنین در گزارش‌های خود تقریباً هیچ‌گاه به آنچه به قول ایشان «ملاً» ها در مراسم عزاداری برای مردم می‌گفتند، اشاره نمی‌کنند. حتی یک جمله از متن «روضه الشهداء» را که احتمالاً در دست اهل منبر دیده‌اند، ذکر نکرده‌اند. همین مسئله باعث شده است که در گزارش‌های سیاحان اروپایی با نوعی بزرگ‌نمایی یا برداشت‌های نادرست مواجه باشیم. اگر چه سفرنامه‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه برای تاریخ‌نگاری اجتماعی اهمیت فراوانی دارند و معمولاً به مسائلی می‌پردازند که از نگاه دیگر تاریخ‌نگاران مخفی مانده است، اما نویسندگان این آثار به دلیل اقامت کوتاه و عدم شناخت دقیق از فرهنگ و اعتقادات مردمی که با آنها معاشرت داشته‌اند، عمدتاً در شناخت و بررسی جامعه، حکومت و تحولات ایران ناتوان بوده‌اند، لذا در مطالعه آثار آنها دقت نظر لازم است (ملائی توانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

مطالعه سفرنامه‌های اروپاییان در موضوع عزاداری امام حسین (ع) و مراسم عاشورا نشان می‌دهد هم از نظر انگیزه‌های سیاحان و هم به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات آنها از این موضوع مهم، گزارش‌های آنها منبع ناقص، پر اشتباه و گمراه‌کننده، و در بردارنده اخبار عامیانه می‌باشد. اینگونه اخبار و گزارش‌ها متأسفانه تصویری نادرست از یکی از مهم‌ترین مناسک و مراسم شیعی را در کتاب‌های این عده به نمایش گذاشت و از آنجا که تعدادی از این سفرنامه‌ها تا پایان قرن هیجدهم میلادی در اروپا چاپ و منتشر شده است، به عنوان منبعی - و یا حتی دستورالعمل و راهنمایی - در اختیار سیاحان و مستشرقان اروپایی در قرن

نوزدهم قرار گرفت، لذا به رغم تفاوت‌های شاخص سفرنامه‌های اروپاییان در ایران دوره قاجار با سفرنامه‌های مورد بررسی در این پژوهش، اما ماهیت اطلاع رسانی ضعیف و ناقص و پراشتباه هر دو دسته سفرنامه‌ها در موضوع عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا تفاوتی ندارند. این مسأله وقتی بیشتر خود را نشان می‌دهد که همان تسامح و تساهل و حتی غرض‌ورزی برخی سیاحان اروپایی دوره صفویه در این زمینه از جمله گزارش پیوسته و مکرر از رفتارهایی چون خودزنی، به راه انداختن خون‌سر، دیگران را زدن و اعمالی که خواننده را نسبت به اهل واقعه دچار تردید و دل‌زدگی می‌کند، نیز در نظر داشته باشیم که در گزارش‌های سیاحان بعدی هم با شدت بیشتری دیده می‌شود.

از این نظر، اولین دوره عاشورا نگاری اروپاییان سنگ بنای نادرستی را گذاشت که در ادامه مطالعات آن‌ها به ویژه مستشرقان بسیار مؤثر بوده است. این امر خواه از منظر اشتباهات این سیاحان مورد ارزیابی قرار گیرد، خواه از نظر ساختار معرفتی جامعه عصر صفوی از امام حسین (ع) و عاشورا و فلسفه عزاداری، یک دستاورد مشخصی را به همراه دارد و آن، اینکه انحراف در اطلاع رسانی و تبیین یک امر حیاتی در فرهنگ اعتقادی و مناسکی شیعه توسط سیاحان اروپایی در دوره صفویه، ریشه بنیادین بسیاری از کج‌فهمی‌ها و کژاندیشی‌های بعدی و حتی نگاه‌های مغرضانه برخی از اروپاییان در عصر و نسل‌های بعدی بوده است. بر این اساس چگونگی کسب خبر همراه منابع خبری ضعیف توأم با کم‌تلاشی سیاحان برای اعتبارسنجی شنیده‌ها و دیده‌های خود در موضوع مراسم و مناسک مذهبی ماه محرم، متون برآمده از این اخبار را نامطمئن، ضعیف و ناقص و پراشتباه ساخته است.

نتیجه

گزارش‌های متنوعی که از عاشورا و چگونگی برپایی عزاداری امام حسین (ع) از سوی سیاحان خارجی در دوره صفویه ارائه شده است. جزء اولین منابع برای آگاهی از جزئیات عاشورا و مراسم عزاداری در این دوره برای غربی‌ها می‌باشد. برای برخی از این سیاحان، عاشورا و مراسم عزاداری ماه محرم امری شگفت به نظر رسیده است و با توجه به ناآگاهی از پیشینه و فلسفه آن، نگاهی داستان‌پردازانه و حتی مبالغه‌آمیز در مورد آن صورت گرفته است. با مطالعه سفرنامه‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه در زمینه عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا، اطلاعات سطحی و ابتدایی در اختیار قرار می‌گیرد. این سفرنامه‌ها اگر چه دارای نکاتی مهم از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران است ولی آنچه مسلم است این که، این سفرنامه‌ها در موضوع مورد پژوهش، دارای نقاط ضعف و کاستی می‌باشند. سیاحان اروپایی در مورد مسئله عزاداری امام حسین (ع) و عاشورا آنچه را که در سفرنامه‌های خود بیان کرده‌اند خواه مشروح و خواه جزئی، انحرافات آشکاری دارند که مهم‌ترین آن‌ها، حقیقت‌پنداری برخی خرافات و آداب و رفتار و اعتقادات نادرست عده‌ای بوده است. این امر، آن‌ها را به اظهار نظرهای عجیب و غریب و نادرست در این موضوع کشانده است. همچنین اصرار آن‌ها در بیان صحنه‌های زجرآور و لطم و غیره و غفلت از توجه به منابع مطمئن، رویه‌ای شد که بعدها نیز توسط سیاحان مورد توجه بوده است. این نوشته‌ها متأسفانه، هم قدیمی‌ترین آگاهی‌های اروپاییان را از امام حسین (ع) و کربلا سامان داده و هم پایه نوشته‌های بعدی آن‌ها شده است. بر همین اساس، اصلاح اندیشه و پندار اروپاییان در موضوع عاشورا نگاری کار بسیار مهم و پیچیده‌ای است که فرا روی ما قرار دارد.

منابع

۱. آنجوللو، جیووان ماریا (۱۳۴۹). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، مترجم منوچهر امیری، تهران، نشر خوارزمی.
۲. اسماعیلی، علیرضا (۱۳۷۸). "پرتوهای تلاش"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۵.
۳. اشترویس، یوهان (۱۳۹۶). سفرنامه یوهان اشترویس، مترجم ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی.
۴. اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹). سفرنامه آدام او لثاریوس، مترجم حسین کردبچه، تهران، شرکت کتاب برای همه.
۵. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه، مترجم ابوتراب نوری، اصفهان، نشر تأیید.
۶. ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰). تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز، نوید شیراز.
۷. حاجی ابو الحسنی، عبدالحسین (۱۳۷۹). "باز نمایی عنصر شور و احساس در آیین محرم"، کتاب‌های اسلامی، شماره ۳.
۸. حسین زاده شانه چی، حسن (۱۳۸۹). "سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب"، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۶.
۹. خلعتبری لیمایی، مصطفی (۱۳۸۸). جایگاه مهمان و مهمان‌نوازی در فرهنگ مردم ایران، تهران، طرح آینده.
۱۰. دالساندری، وینچنتو (۱۳۴۹). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، مترجم منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۱۱. دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۶). بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر.
۱۲. دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر دلاواله، مترجم شعاع الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۳. دریابل، ژرژ تکتاتدرفن، ایترپرسیکوم (۱۳۵۱). مترجم محمود تفضلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۴. دلند، آندره دولیه (۱۳۵۵). زیباییهای ایران، مترجم محسن صبا، تهران، انجمن دوستداران کتاب.
۱۵. رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۹). مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی، شیراز، کوشامهر.
۱۶. راستودارت، سردنیس (۱۳۳۹). سفرنامه استودارت، مترجم احمد توکلی، تهران، فرهنگ ایران زمین.
۱۷. سانسون، نیکلس (۱۳۴۶). سفرنامه سانسون، مترجم تقی تفضلی، تهران، بی‌نا.
۱۸. شاردن، ژان (۱۳۷۴). سفرنامه شوالیه شاردن، مترجم اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس.
۱۹. شرلی، آنتونی و رابرت (۱۳۶۲). سفرنامه برادران شرلی، مترجم آوانس، تهران، انتشارات نگاه.
۲۰. فروغی‌ابری، اصغر (۱۳۸۲). "کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفویه"، فصلنامه مشکوه، شماره ۸۱.
۲۱. فلور، ویلم (۱۳۵۶). اولین سفرای ایران و هلند، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران، کتابخانه طهوری.
۲۲. فیدالگو، گرگوریو پیرا (۱۳۵۶). گزارش سفیر پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی، مترجم پروین حکمت، تهران، دانشگاه تهران.
۲۳. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، مترجم غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
۲۴. کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۳۶). سفرنامه کاتف، مترجم محمد صادق همایونفرد، تهران، بی‌نا.
۲۵. کارری، جملی (۱۳۴۸). سفرنامه کارری، مترجم عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر.

۲۶. کروسینسکی، یوداش تادئوش (۱۳۶۳). سفرنامه کروسینسکی، مترجم عبدالرزاق دنبلی، تهران، توس.
۲۷. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر، مترجم کیکاوس جهاننداری، چ ۲، تهران، خوارزمی.
۲۸. گرس، ایون (۱۳۷۰). سفیر زیبا، مترجم علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات تهران.
۲۹. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۲). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی.
۳۰. ممبره، میکل (۱۳۹۳). سفرنامه میکل ممبره، مترجم ساسان طهماسبی، اصفهان، یلدا.
۳۱. موسی پور بشلی، ابراهیم (۱۳۹۵). دین زیسته و زندگی روزانه (پژوهشی در فرهنگ دینی مردم عادی ایران از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجار)، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

32. De Gouvea, Antonio (1640), Relation des grandes querres et victories obtenues par le roi de perse Chah Abbas. French translate. Rouen.
33. Calmard, Jean (1996), Shiei Ritual and Power in Safavid Persia The History and Politics of an Islamic Society. Edited by Charles Melville. London and New York. IB Tauris and Co.
34. Fryer, John, (1698), A New Account of East- Endia and Persia, in eight letters being nine years travels begun 1627 and finish 1681. Printed R.R. for Ri Chiswell.
۳۵. Herbet , Thomas , (1928), Travels in Persia (1627-1629). George Routledges and sons landon.

